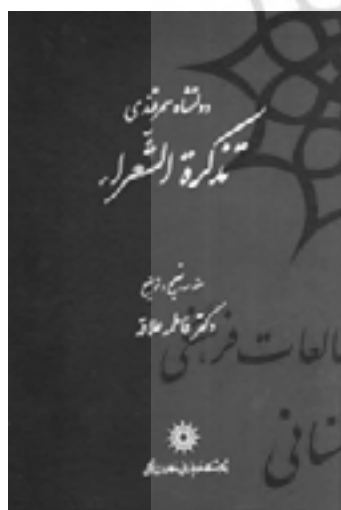


# تصحیحی جدید از تذکره الشعراء دولتشاه سمرقندی

دکتر سیده نرگس رضایی\*



تذکره الشعراء دولتشاه سمرقندی

مقدمه، تصحیح و توضیح فاطمه علاقه

انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۵

تو خواهد شد». چنان که استاد ذبیح‌الله صفا اشاره کرده این مطلب ناشی از بی‌توجهی به سال وفات اسدی است. اسدی به سال ۴۶۵ هـ. ق وفات یافته و وفات فردوسی در حدود سال ۴۰۰ هجری است؛ بنابراین اسدی نمی‌توانسته استاد فردوسی باشد (همان: ۴۶۱).

تذکره الشعراء بارها در هند، لاهور، لیدن و تهران چاپ شده است. همین مسئله میزان شهرت این کتاب و ضرورت فراهم آوردن نسخه‌ای انتقادی از این کتاب را نشان می‌دهد. این کتاب را ادوارد براون در سال ۱۳۱۸، محمد عباسی در سال ۱۳۳۷ و محمد رضائی در سال ۱۳۳۸ تصحیح و منتشر کرده‌اند. هر چند هر سه نسخه مذکور ارزشمند است، فاقد اختلاف بین

دولتشاه سمرقندی تذکره الشعراء را در یک مقدمه، هفت طبقه و یک خاتمه نوشته است. این کتاب دربردارنده احوال شعراء متقدم، متأخر و هم‌عصر مؤلف است. مرحوم ذبیح‌الله صفا درباره این کتاب نوشته است: تذکره الشعراء دومین کتاب معتبر فارسی است که در شرح احوال شاعران به طریق نظم تاریخی نوشته شده است (صفا، ج ۴، ۵۳۳: ۱۳۷۲) و از آنجا که اکثر اطلاعاتی که دولتشاه بخصوص درباره شعراء متقدم آورده، مجعول و بی‌اساس و به خلاف حقایق تاریخی است، ضرورت نقد و تصحیح انتقادی این کتاب نیز مطرح می‌شود؛ به طور مثال دولتشاه درباره اسدی نوشته است: «فردوسی را داریم به نظم شاهنامه ارشاد و اشارت می‌کرده که کار به دست

## بسیاری از اطلاعاتی که دولتشاه درباره شاعران عرضه کرده است بر ساخته و زاینده ذهن خود اوست و سند و مدرکی درباره آنها وجود ندارد. یکی از مهم‌ترین کارهایی که مصحح تذکرةالشعرا باید انجام دهد تبیین، توضیح و نقد و بررسی این اطلاعات است

نسخ، همچنین تعلیقات و توضیحات است. بنابراین، چاپ مجددی از کتاب همراه با بیان اختلاف نسخ و افزودن تعلیقات و توضیحات ضرورت داشته است. خانم دکتر فاطمه علاقه بر اساس همین ضرورت، این کتاب را تصحیح کرده و انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، در سال ۱۳۸۵ این تصحیح جدید را در ۱۲۳۰ صفحه و شمارگان ۱۰۰۰ نسخه منتشر کرده است؛ چاپ خانم علاقه علاوه بر پیشگفتار و مقدمه مصحح که شامل تعریف تذکره، سیر تذکره‌نویسی، شرح حال مؤلف، معرفی تذکرةالشعرا، نسخ، روش تصحیح، رسم‌الخط و ... است؛ در بردارنده تعلیقاتی است که شامل شرح زندگی و احوال برخی از شعراست که نامشان در طی تذکره آمده و مؤلف از چند سطر تا چند صفحه درباره آنها توضیح داده است. علاوه بر این فهرست بسیار مفیدی از کتابشناسی شعرای مطرح در تذکره آمده است؛ همچنین در بحث نمایه‌ها، نمایه اشخاص، قبایل، مکان‌ها و کتب نیز آمده است.

در ادامه، به ترتیب بخش‌های کتاب مباحثی درباره این تصحیح عرضه می‌شود. نویسنده به ارزش کار مصحح محترم واقف است و ضمن سپاس از ایشان که چنین کار سترگی را به انجام رسانده، نکاتی را به عنوان پیشنهاد برای چاپ‌های بعدی کتاب مطرح می‌کند:

### مقدمه کتاب

مصحح در مقدمه، مشخص نکرده که نسخه اساس مربوط به چه سالی است و تاریخ کتابت آن، چه زمانی است؛ ظاهراً این نسخه فاقد تاریخ است. بنابراین، دلایلی که سبب شده ایشان و دیگر اساتید محترم با وجود نداشتن تاریخ کتابت در نسخه اساس، تاریخ تألیف آن را اقدم از سایر نسخ بدانند ذکر نشده است؛ همچنین به تعداد صفحات، کامل بودن یا نبودن اغلب نسخه‌ها و نوع جلد و خط آنها و رسم‌الخط که راهنمای تشخیص نسخ است، اشاره نشده است.

توضیحات مؤلف در قسمت روش تصحیح بسیار کوتاه است و در ده سطر خلاصه می‌شود؛ توضیحات بیشتر درباره روش کار و بخش‌های دیگر کتاب، بسیاری از ابهام‌ها را از بین می‌برد. به غیر از تصحیح براون، دو تصحیح دیگر از این کتاب که به دست محمد عباسی و محمد رضائی انجام شده در دست است. مؤلف به آنها اشاره نکرده است و حتی در مقدمه درباره آنها هیچ

### متن تصحیح

متن تصحیح شده حاضر، حجمی در حدود ۱۲۰۰ صفحه دارد. سؤال این است که عبارات، واژه‌ها و روایات متفاوت با نسخه اساس مطابق با چه معیاری آمده‌اند؟ آیا در نظر گرفته شده است که آنچه در پاورقی می‌آید قابل قبول هست یا نه؟ یعنی، آیا متن را تأیید یا معنا می‌کند یا در رفع ابهام آن مؤثر است. به نظر می‌رسد در این متن چنانچه به این نکات توجه می‌شد، حجم متن بسیار کمتر از این بود.

برخی از اشکالات این بخش مربوط به ارجاعات است؛ مؤلف گاه در پاورقی مواردی را به تعلیقات ارجاع می‌دهد؛ در صورتی که اصلاً در تعلیقات توضیحی درباره آنها وجود ندارد؛ به طور مثال، در پاورقی شماره ۵۷ از صفحه ۵۴ نام «عبدالملک» را به تعلیقات ارجاع می‌دهد؛ در صورتی که در تعلیقات بحثی در این باره وجود ندارد و تنها در فهرست اعلام نام این فرد مشاهده می‌شود که به همین صفحه ارجاع شده است یا در پاورقی شماره ۱۶۴ از صفحه ۲۲۸ نام «سعید الاستری» به تعلیقات ارجاع داده شده؛ اما در تعلیقات نشان یا توضیحی در این باره دیده نمی‌شود.

اشکال دیگر در اعداد پاورقی است. اعداد پاورقی باید در هر صفحه از شماره یک شروع شود؛ گویا مؤلف برای هر طبقه شماره‌گذاری پیوسته‌ای لحاظ کرده است. این شماره‌های پیوسته وقتی که چند رقمی می‌شوند، متن را نازیبا و خواندن را دشوار می‌کنند.

### تعلیقات مصحح

چنانکه بسیاری از محققان اشاره کرده‌اند، بسیاری از اطلاعاتی که دولتشاه درباره شاعران عرضه کرده است بر ساخته و زاینده ذهن خود اوست و سند و مدرکی درباره آنها وجود ندارد. یکی از مهم‌ترین کارهایی که مصحح تذکرةالشعرا باید انجام دهد تبیین، توضیح و نقد و بررسی این اطلاعات است. متأسفانه مصحح محترم نیز درباره بسیاری از موارد سکوت کرده و در این باره حتی به اقوال برخی از منتقدان نیز اشاره نکرده است. به طور مثال، ملک‌الشعرا بهار برخی

از این اقوال را در جلد سوم سبک‌شناسی نقد و بررسی کرده است (بهار، ۱۳۷۵: ۱۸۵ - ۱۹۰). نکته دیگر این‌که درباره بعضی از شعرا که درباره آنها صدها مقاله و کتاب در دست است چندین صفحه توضیح داده شده است (مثلاً درباره سنایی و حافظ) و درباره برخی به چند سطر اکتفا شده است. عیب دیگر تعلیقات آن است که بسیاری از مطالب آن رونویسی یا خلاصه مطالب تاریخ ادبیات در ایران استاد صفا و لغت‌نامه دهخدا است (چنان‌که نویسنده نیز آنها را به عنوان منبع ذکر کرده است).

از اشکالات دیگر بخش تعلیقات آن است که مصحح راهنمایی برای تعلیقات تنظیم نکرده است؛ ظاهراً نام شعرا در تعلیقات به ترتیب مدخل‌های متن آمده است؛ علاوه بر آنکه نام شعرای متن تذکره نیز آمده است؛ بهتر بود مؤلف شماره صفحه و سطر هر اسم خاص یا موضوعی که توضیحی درباره آن آمده است را در آغاز آن ذکر می‌کرد تا خواننده راحت‌تر آن را بیابد. با وجود آنکه معمولاً در متن کتاب به تاریخ تولد و نام شاعران اشاره نشده مصحح نیز در تعلیقات خود آن را مشخص نمی‌سازد یا اطلاعات کامل‌تری عرضه نمی‌کند؛ به طور مثال به نام و تاریخ تولد عنصری اشاره نشده است. یک نکته دیگر این‌که در موارد متعدد (مثلاً ص ۹۸۰) به متنی از تذکره الشعرا ارجاع داده شده است، که تصحیح مصحح حاضر نیست.

### ترجمه ابیات عربی

ابیات در تعلیقات پشت سر هم آمده و تنها راهنمای تفکیک آنها از یکدیگر شماره صفحه و سطر است که در پایان ترجمه می‌آید. بهتر است در این موارد شماره صفحه و سطر در آغاز ذکر شود و چند کلمه نیز از بیت عربی برای راهنمایی بیشتر آورده شود.

### کتابشناسی

یکی از بخش‌های سودمند این کتاب کتابشناسی‌ای است که مصحح محترم به دست داده است. در کتابشناسی شاعران معمولاً در برابر نام شعرا به قرن‌ی که در آن می‌زیستند اشاره شده است. در برخی از شاعران چون فرید احوال، ابوالفتح بستی، حریری، رکن‌الدین قیابی به این مسئله توجه نشده که این امر موجب ناهماهنگی کار مؤلف شده است. علاوه بر این در دو صفحه اول همین بخش در

مقابل نام شعرا، تاریخ تولد و وفات نیز ذکر شده؛ اما از صفحه سوم مؤلف تغییر رویه داده و به ذکر قرن اکتفا کرده که این مسئله

نیز موجب ناهماهنگی و عدم یکنواختی کار شده است. یکی

دیگر از اشکالات بخش کتابشناسی این است که امروزه از برخی از کتاب‌هایی که به آنها ارجاع داده شده چاپ‌های متعددی در دست است و چون مشخصات کتابشناختی به طور کامل بیان نشده و درباره بسیاری نیز در منابع پایانی نیامده، ممکن است جست‌وجو را برای خواننده دشوار کند. نکته دیگر این‌که در کتابشناسی گاهی به نام مؤلفان ارجاع داده شده و گاهی به نام کتاب.

### فهرست‌های اعلام

مصحح نمایه‌های پایان کتاب را تحت عنوان فهرست اعلام در سه بخش اسامی اشخاص، اسامی قبایل و اسامی مکان‌ها آورده است. مهم‌ترین اشکال اسامی اشخاص این است که در تنظیم آنها صورت مستند نام مؤلفان، شاعران و نویسندگان اختیار نشده است. این اشکال، جست‌وجو را بسیار دشوار می‌کند. امروزه ما در منابعی نظیر «فهرست مستند مشاهیر و مؤلفان» که کتابخانه ملی منتشر می‌کند، به صورت صحیح و مشهور نام‌ها و شیوه مدخل قرار دادن آنها دسترس داریم. نکته دیگر این‌که در بخش فهرست نام‌ها، برخی از واژه‌ها نمی‌بایست سر مدخل قرار گیرند یا وقتی به واژه‌ای دیگر ارجاع داده می‌شوند، ذکر شماره صفحات ضرورت ندارد. همچنین گاه یک نام به صورت مختلف آمده است. این تکرارها چند دلیل داشته است: نخست این‌که وقتی صورت مستند نام، مدخل قرار نگرفته سبب تکرار نام به صورت‌های دیگر شده است؛ مثلاً ما نام حافظ را در مدخل‌های «حافظ شیرازی، حافظ، خواجه حافظ، خواجه حافظ شیرازی» می‌بینیم. دوم این‌که اشتباهات تایپی سبب پدید آمدن مدخل‌های جدید شده است؛ مثلاً نام اثیرالدین اخسیکتی یکبار نیز به صورت اشیرالدین آمده یا بدر جاجرمی یک بار هم با املائی بدری جاجرمی آمده و این اشتباه نمونه‌های بسیار دارد؛ چنانکه در مداخل سعدی، مجد همگر، امیر علیشیر نوایی

## مصحّح در مقدّمه، مشخص نکرده که نسخه اساس مربوط به چه سالی است و تاریخ کتابت آن، چه زمانی است؛ ظاهراً این نسخه فاقد تاریخ است

الرساله النائیه کلمه شاید را قرار داده‌اند تا بعدها آن را پرس‌وجو کنند؛ اما این کلمه تایپ شده و در متن باقی مانده و برای ما کتابی ساخته شده با نام شاید الرساله النائیه!

### فهرست مندرجات

اشکال دیگر کتاب فهرست مندرجات آن است که در پایان کتاب آمده و در آن تنها به ذکر تیتراهای متن تذکره اکتفا شده و نشانی از شماره صفحات در آن یافت نمی‌شود. این اشکال وقتی بیشتر می‌شود که خواننده از طریق نمایه‌ها نیز به آنچه می‌خواهد، نمی‌رسد. همچنین همه اجزای کتاب در این فهرست راهنما نیامده‌اند. آنچه ذکر شد هیچ‌گاه به معنی آن نیست که ارزش کار مصحّح محترم کتاب که رنجی طاقت‌فرسا را متحمّل شده‌اند نادیده گرفته شود، بلکه هدف عرضه پیشنهادهایی برای ایشان است تا در چاپ‌های بعدی کتاب، آن را به شکل مناسب‌تری عرضه کنند.

\* عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور

### منابع و مآخذ:

- ۱- صفاء ذبیح‌الله (۱۳۷۲)، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۴، ج ۹، تهران، فردوس.
- ۲- گلچین معانی، احمد (۱۳۶۳)، تاریخ تذکره‌های فارسی، ج ۱، ج ۱، تهران، سنایی.
- ۳- دولتشاه سمرقندی (۱۳۱۸)، تذکره الشعراء، به تصحیح ادوارد براون، ج ۱، لیدن، بریل.
- ۴- دولتشاه سمرقندی (۱۳۳۸) تذکره الشعراء، به تصحیح محمّد رمضانی، ج ۱، تهران، خاور.
- ۵- دولتشاه سمرقندی (۱۳۳۷)، تذکره الشعراء، به تصحیح محمّد عباسی، ج ۱، تهران، شاه‌آباد.
- ۶- دولتشاه سمرقندی (۱۳۸۵)، تذکره الشعراء، به تصحیح فاطمه علاقه، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۷- سمعی گیلانی، احمد (۱۳۷۵)، «نکته‌هایی در باب تصحیح متون» درباره ویرایش، تهران، نشر دانشگاهی، صص ۵۳ - ۴۸.
- ۸- نقوی، سیّد علی‌رضا (۱۳۴۳)، تذکره‌نویسی فارسی در هند و پاکستان، چاپ اول، تهران، علمی.

و سعید هروی و ... تکرار شده است.

در بخش قبایل نیز گاه نسبت‌ها مدخل قرار گرفته که با توجه به عنوان نمایه سازگاری ندارد؛ مثلاً ذکر واژه ایرانی و...

یکی از مهم‌ترین کارهایی که مصحّح و ویراستار کتاب

انجام می‌دهند تنظیم دقیق و روشمند نمایه‌هاست؛ در حالی که گاه نام قبایل ذیل نام اشخاص آمده است مانند آل مظفر که در اسامی اشخاص و قبایل آمده یا قبادیان که نام مکان است و در بخش قبایل آمده است. یا بسیاری از واژه‌هایی که در فهرست‌ها آمده در متن یافت نمی‌شود، مانند قیس، قضاعه، غطفان، قومطیان (!؟) شاید قرمطیان یا برخی از اسم‌ها در فهرست‌ها با غلط املائی آمده است مانند غطفان (غطفان) و بنی‌تعمیم (بنی‌تمیم) ابن‌فورک (ابن‌فوزک) یا بحالدین همگر که صورت درست آن مجدالدین همگر است. چنانچه مؤلف یا ویراستار در استخراج نمایه‌ها با کمک رایانه آخرین نسخه پیش از چاپ را اساس قرار می‌دادند این‌گونه اشکالات پیش نمی‌آمد. به نظر می‌رسد پس از استخراج نمایه‌ها، متن کتاب صفحه‌آرایی شده است؛ زیرا بسیاری از واژه‌های نمایه‌ها به ویژه در بخش قبایل در صفحه‌ای از متن که به آن ارجاع شده وجود ندارد و باید سراغ آن را در چند صفحه قبل از آن گرفت. همچنین گاه در نمایه‌ها واژه‌ای با یک املا آمده است و در متن واژه با املائی دیگری آمده است. برخی از اسم‌ها هم بدون دلیل دو یا سه بار تکرار شده است، مانند امین‌الدین نزلابادی.

اشکالات تاپیی بخش نمایه‌ها بسیار زیاد است و گاه سبب حیرت می‌شود. مثلاً در اسامی کتاب‌ها آمده «شاید الرساله النائیه» در حالی که در صفحه‌ای از متن که به آن ارجاع داده شده به چنین اسمی برخورد نمی‌کنیم و دو سه صفحه قبل الرساله النائیه را می‌بینیم. تنها توجیه این است که ویراستار یا مصحّح در کنار عبارت